



ویژه نامه **الوتر المموتور** محرم ۱۴۰۰

جستاری پیرامون عاشورا و نقش آن در حیات شیعی

سهام خواص در به وقوع پیوستن حادثه کربلا

اینک ما و عاشورا

تاملی بر چند فراز زیارت عاشورا

تیغ «لا» چون از میان برون کشید

از رک اباب باطل، خون کشید

نقش «الاله» بر صحرا نوشت

سطر عنوانش نجات ما نوشت



سهم خواص در به وقوع پیوستن حادثه کربلا

خواص، طبعاً دو جبهه‌اند: خواص جبهه‌ی حق و خواص جبهه‌ی باطل. عده‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه‌ی حق کار میکنند. فهمیده‌اند حق با کلام جبهه است. حق را شناخته‌اند و براساس تشخیص خود، برای آن، کار و حرکت میکنند. اینها یک دسته‌اند. یک دسته هم نقطه‌ی مقابل حق و ضد حقند. اگر باز به صدر اسلام برگردیم، باید این طور بگوییم که «عده‌ای اصحاب امیرالمؤمنین و امام حسین، علیهما السلام هستند و طرفدار بنی‌هاشمند. عده‌ای دیگر هم اصحاب معاویه و طرفدار بنی‌امیه‌اند.» بین طرفداران بنی‌امیه هم، افراد با فکر، عاقل و زنگ بودند. آنها هم جزو خواصند. همه‌ی دشواری قضیه، از این جا به بعد است. عزیزان من! خواص طرفدار حق، دو نوعند. یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه‌ی متاعهای خوب قرار دارند. اینهایی که ذکر کردیم، همه از متاعهای خوب است. همه‌اش جزو زیباییهای زندگی است. «متاع الحیاة الدنیا» متاع، یعنی بهره. اینها بهره‌های زندگی دنیوی است. اگر در مقابل این متاعها و بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجذوب شدید که وقتی پای تکلیف سخت به میان آمد، نتوانستید دست بردارید، وایلاست! اگر ضمن بهره بردن از متاعهای دنیوی، آن جا که پای امتحان سخت پیش می‌آید، میتوانید از آن متاعها به راحتی دست بردارید، آن وقت حساب است. دوران لغزش خواص طرفدار حق، حدوداً هفت، هشت سال پس از رحلت پیغمبر شروع شد. به مسأله‌ی خلافت، اصلاً کار ندارم. مسأله‌ی خلافت، جدا از جریان بسیار خطرناکی است که می‌خواهم به آن پردازم، قضایا، کمتر از یک دهه پس از رحلت پیغمبر شروع شد ابتدا سابقه‌داران اسلام - اعم از صحابه و یاران و کسانی که در جنگهای زمان پیغمبر شرکت کرده بودند - از امتیازات برخوردار شدند، که بهره‌مندی مالی بیشتر از بیت‌المال، یکی از آن امتیازات بود. عنوان شده بود که تساوی آنها با سایرین درست نیست

این، خشت اول بود. حرکتهای منجر به انحراف، این گونه از نقطه‌ی کمی آغاز میشود و سپس هر قدمی، قدم بعدی را سرعت بیشتری میدهد. انحرافات، از همین نقطه شروع شد، تا به اواسط دوران عثمان رسید. در دوران خلیفه‌ی سوم، وضعیت به گونه‌ای شد که برجستگان صحابه‌ی پیغمبر، جزو بزرگترین سرمایه‌داران زمان خود محسوب میشدند! توجه میکنید! یعنی همین صحابه‌ی عالی‌مقام که اسمهایشان معروف است - طلحه، زبیر، سعد بن ابی‌وقاص و غیره - این بزرگان، که هر کدام یک کتاب قطور سابقه‌ی افتخارات در بدر و حنین و احد داشتند، در ردیف اول سرمایه‌داران اسلام قرار گرفتند. یکی از آنها، وقتی مُرد و طلاهای مانده از او را خواستند بین ورثه تقسیم کنند، ابتدا به صورت شمش درآوردند و سپس با تبر، بنای شکست و خرد کردن آنها را گذاشتند. مثل هیزم، که با تبر به قطعات کوچک تقسیم کنند! طلا را قاعدتاً با سنگِ مثقال میکشند. ببینید چقدر طلا بوده، که آن را با تبر میشکستند! اینها در تاریخ ضبط شده است و مسائلی نیست که بگوییم شیعه در کتابهای خود نوشته‌اند. حقایقی است که همه در ثبت و ضبط آن کوشیده‌اند. مقدار درهم و دیناری که از اینها به جا میماند، افسانه‌وار بود وقتی امام حسین علیه‌السلام قیام کرد - با آن عظمتی که در جامعه‌ی اسلامی داشت - بسیاری از خواص به نزدش نیامدند و به او کمک نکردند. وقتی به اسامی کسانی که از کوفه برای امام حسین علیه‌السلام نامه نوشتند و او را دعوت کردند، نگاه میکنید، میبینید همه جزو طبقه‌ی خواص و از زیلگان و برجستگان جامعه‌اند. تعداد نامه‌ها زیاد است. صدها صفحه نامه و شاید چندین خورجین یا بسته‌ی بزرگ نامه، از کوفه برای امام حسین علیه‌السلام فرستاده شد



تصمیم گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظه‌ی لازم، اقدام خواص برای خدا در لحظه‌ی لازم. اینهاست که تاریخ و ارزشها را نجات میدهد و حفظ میکند! در لحظه‌ی لازم، باید حرکت لازم را انجام داد. اگر تأمل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد. در الجزایر، جبهه‌ی اسلامی آن کشور برنده‌ی انتخابات شده بود؛ ولی با تحریک امریکا و دیگران، حکومت نظامی بر سر کار آمد. روز اولی که حکومت نظامی در آن جا شکل گرفت، از قدرتی برخوردار نبود. اگر آن روز - بنده، پیغام هم برایشان فرستاده بودم - و در آن ساعات اولیه‌ی حکومت نظامی، مسئولین جبهه‌ی اسلامی، مردم را به خیابانها کشانده بودند، قدرت نظامی کاری نمیتوانست بکند، و از بین میرفت. نتیجه این که امروز در الجزایر حکومت اسلامی بر سر کار بود. اما اقدامی نکردند. در وقت خودش بایستی تصمیم میگرفتند، نگرفتند. عده‌ای ترسیدند، عده‌ای ضعف پیدا کردند، عده‌ای اختلال کردند، و عده‌ای بر سر کسب ریاست، با هم نزاع کردند. اگر خواص امری را که تشخیص دادند به موقع و بدون فوت وقت عمل کنند، تاریخ نجات پیدا میکند و دیگر حسین بن علیها به کربلاها کشانده نمیشوند. اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند، فهمیدند اما با هم اختلاف کردند؛ کربلاها در تاریخ تکرار خواهد شد. وقتی که از ریخته شدن خونمان ترسیدیم؛ از هدر شدن پول و آبرو ترسیدیم؛ به خاطر خانواده ترسیدیم؛ به خاطر دوستان ترسیدیم؛ به خاطر منقص شدن راحتی و عیش خودمان ترسیدیم؛ به خاطر حفظ کسب و کار و موقعیت حرکت نکردیم؛ به خاطر گسترش ضیاع و عقار حرکت نکردیم؛ معلوم است دیگر! ده تن امام حسین هم سر راه قرار بگیرند، همه شهید خواهند شد و از بین خواهند رفت! کمالین که امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام شهید شد؛ کمالین که امام حسین علیه السلام شهید شد.

بیانات رہبر معظم انقلاب در دیدار

فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

۲۰ خرداد ۱۳۷۵

ابوبوی اشعری



سلیمان بن عمرو

محمد ابن ابی وقاص شرح قاضی

زبیر بن عوام

شبت بن ربیع

طلحہ بن عبید اللہ

کربلا

اینک ما و عاشورا

مسئله عاشورا و حال و احوال یاران عاشورایی امام حسین(ع) به قدری جامع و وسیع است که در طول تاریخ و به خصوص در سال های اخیر هر شخص از یک منظر و جهت توانسته گوشه ای از این نقشه جاویدان که راهگشای همیشگی آزادی خواهان است پرده برداری کند. مسائلی نظیر عاشورا و اتفاقات مشابه آن از این جهت که با زندگی تک تک افراد به صورت خصوصی و در بعد اجتماعی با روحیه جمعی شیعیان و جامعه اسلامی به صورت عمومی سر و کار دارد، خروجی های رفتاری متفاوتی را به خود می گیرد، از این رو صحبت پیرامون برداشت های تاریخی و اجتماعی نه تنها یک امر مهم و مفید بلکه یک مسئله ضروری است تا هر فرد با تکمیل نگاه خود نسبت به این مسئله، بکوشد تا جایگاه خود در هر زمان و وضعیتی را با یک شاخص قابل درک و فهم بسنجد. جهادفکری شهید مطهری برای شفاف سازی پیرامون شایعات تاریخی و تخدیری وارد شده در مسائل کربلا و قیام عاشورا نمونه ای از ضرورت ورود به مسئله است. چه اینکه اگر به اشک ها؛ بصیرت، به احساس؛ جهت و به نگاه؛ چشم انداز ندهیم خطر تحریف و تخدیر تا جایی پیش خواهد رفت که کعبه را پر از بت و مردم را به گرد بت ها به طواف می کشانند. چه اینکه امروز نیز برخی بزرگان و مراجع نسبت به بعضی از حرکات بی معنی و بدعت آفرینی در عزاداری گلایه های بسیاری دارند.

کربلا در پیشگاه ما با دو بال ظاهر شده است، یکی محتوای غنی مذهبی- تاریخی- اجتماعی که بزرگترین جنبش های مرفی عصر حاضر پیش روی او زانو زده اند و از گاندی در هند تا انقلابیون ایران یکی پس از دیگری به ستایش این راه و حماسه پرداختند و دیگری فرم گرایی معطوف به این واقعه که سالیان سال از شکلی به شکل دیگر و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. دو بال که اساس واقعه عاشورا و قیام امام حسین(ع) نیز در همین فضا قابلیت تفسیر و تبیین دارد. چرا که سیدالشهدا جامعه عصر خویش را مشاهده کرد، صدای اذان هنوز می آید؛ نماز و روزه هست، تلاوت قرآن هست، اما روح محمدی از این جامعه رخت بسته. یک جامعه که ادعای ایمان نبوی دارد اما شیوه و رفتار ابوسفیانی در پیش گرفته. در چنین جامعه ای فرم بیداد و محتوا تهی می شود.

کربلا و قیام عاشورا بیش از هر واقعه دیگری احساس آدمی را درگیر می کند و زیباترین و لطیف ترین روح ها تا سنگین ترین و خشن ترین شخصیت ها را به سفره اشک و آه و نفرین بر بانیان دعوت میکند، اینجا سخن از لزوم کم کردن احساسات نیست، مگر می شود حتی یک دور مقاتل را خواند و از چنین جنایت بی شرمانه ای روح و احساسات آدمی به لرزه در نیاید؟ اما سخن اینجاست که این احساسات در چه صورت یک احساس سازنده و گره گشا از کربلاهای گوناگون و عاشوراهای موجود است. اساس فکر به این موضوعات لزوم تعقل و تدبیر را به منزلگاه احساسات عاشورایی ما می کشانند. چه اینکه احساس همواره به نگرهبانی عاقل و دوستی مدبر نیاز دارد.



اینک ما و عاشورا

کلان نگری و همه جانبه نگری به انسان کمک می کند تا وقایع و رویدادها را از منظری راهبردی و پنجره ای کاربردی مورد بررسی قرار دهد، به کمک همین چهارچوب هم می توانیم دعوی همیشگی فرم گرایان و دغدغه مندان اهل محتوا را بررسی و نتیجه گیری کنیم. کلان نگری در واقعه عاشورا افق دید ادمی را از یک اتفاق تاریخی در گذشته به عبرتی برای همه نسل ها و راهبردی برای مواجهه با همه الگوهای مشابه تبدیل می کند. دیدی که این واقعه را از یک اتفاق سوخته قابل ترحم به راهبردی اساسی برای تغییر وضعیت ظلم در هر سطح به وضعیت قسط، عدالت خواهی و حق پرستی می کشاند.

همه جانبه نگری نیز ابعاد گوناگون این واقعه را به پیشگاه تفکر ادمی می آورد و پنجره بررسی های تاریخی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و ... را با شیشه های انصاف و واقع بینی پیش روی ادمی می گذارد. مسئله ای که در نقد جریان شناسی فرهنگی عاشورائیان به محلی برای اختلافات فکری و بعضاً درگیری های درون حزبی و قبیله ای تبدیل شد است.

باید فکری به حال جایگاه سیدالشهدا در افکار خویش کنیم، باید حسین (ع) را از گودال عمیق و زهرالود کوتاه فکری خود بیرون بیاوریم تا ببینیم در آن گودال پر بلا چه گذشته است، باید حسین (ع) را از تیغ کوتاه بینی و عوام زدگی خود نجات بدهیم تا ببینیم آن همه تیغ و نیزه برای چه به سمت پاک ترین انسان موجود عصر خود که پیامبر او و برادرش را آقای جوانان اهل بهشت نامید روانه شد، باید حسین (ع) را از فاجعه نفهمیدن راهش و درک نکردن مقصودش نجات بخشیم تا بتوانیم مقصود قیام و جهت تیغش را درک کنیم آنوقت است که خواهیم توانست پا به پای ایشان و کاروان پاکان در هر عصری حرکت کنیم و دل های متعهد به این مسیر را شناسایی کنیم و خود را به حلقه عاشورائیان حقیقی وصل کنیم. ما باید خود را به حسین (ع) برسانیم، باید خود را لایق درک راهش کنیم، باید خود را به موقعیت درک جایگاه اصحاب عاشورایی آن حضرت برسانیم، اشتباهی که عده ای کردند و حسین (ع) را در حد جایگاه فکری خود پایین آوردند و به جای آنکه خود را برای امامشان به رشد برسانند، امامشان را به کوتاه فکری خود تفسیر کردند. اینجاست که زیستن در حاکمیت ظلم و جور را پذیرفتند و بر حسینی (ع) گریستند که جان، مال، آبرو و همه هستی خود را برای زدودن ظلم و جور داده است. اگر قدرت درک را از خود بگیریم، اگر فرصت تعقل را از خود بگیریم در بزنگاه نخواهیم توانست که انتخاب درستی کنیم. حسین (ع) هر روز به قربانگاه می رود، با هر ظلمی که به مظلومی می شود، با هر بی عدالتی و کنار گذاشتن قسط و عدل، با هر پشت پا زدن به حقیقت های دینی و ارزش های الهی که یک جامعه باید بر اساس آن ساخته و اداره شود، ما باید به خویش نگاه کنیم، در کدام مختصات قرار گرفته ایم، عاشورا و کربلا هر لحظه جیرا از ما که ادعای تشیع داریم عبور داده می شود، اما پس این عبور در کدام حلقه و لشکر قرار گرفته ایم؟

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَتَقَاتِلِ الْعَاقِلِينَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاملی بر چند فراز زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خَيْرَتِهِ) السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوَتَرَ الْمُؤْتَوَّرَ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَیْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

دراولین فراز زیارت عاشورا، عبارات سلام جلوه گر است. با سلام بر امام حسین (ع) علاوه بر ادای احترام و خضوع و خشوع خود، ارتباط با امام شهید را با گروهی از حق طلبان (جبهه حق) مشخص می کنیم تا اعتقاد خود را که همان محتوای سلام است اظهار نمائیم. سلامی نه بر مبنای مسایل و خصوصیات خانوادگی و خونی و نژادی که در اسلام جایی ندارد، بلکه سلام در این مفهوم به حسین (ع) یعنی وارث ارثیه حقیقی و با شکوه و با عظمت آنها که رهبری الهی و امامت توحیدی آنها جز یقین ثابت، اخلاص، شرافت، صبر و صفا جایگاه دیگری ندارد. زائر در این جا بیان می کند که جبهه اعتقادی وی در تاریخ کدام است، از زمره ی چه کسانی است و از چه کسانی می خواهد باشد. مفسرین نوشته اند این فراز از دعا فراز تصدیق است و منطبق بر قسمت اثبات و تصدیق کلی "لا اله الا الله"، چرا که در جملات بعدی از واقعه کربلا بعنوان بزرگ ترین مصیبت وارده بر خود و به جمیع مسلمانان از همان زمان تا زمان های بعدی و حتی تا فرداها و حتی به عنوان بزرگ ترین مصیبت برای اهل آسمان ها یاد می کند. این تصدیق یک تصدیق عادی نیست بلکه یک اعتقاد قوی است که نفی و طرد کسانی را مطرح می کند که رو بروی حسین (ع) و مکتب او قرار گرفته اند. می خواهد بگوید: "نمی شود گفت هم حسین حق بود و هم یزید" و هیچ توجیهی هم بر دغل کاری و نیرنگ های یزیدی نمی توان افزود تا اعتقادش به بوجی متمایل نشود.

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ (بِكُمْ) عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ

رزیه دراصل به معنی نقص است و مصیبت، لابد به نقیصه در اموال و انفس و ثمرات خواهد شد.

زائر در این قسمت و سبب بودن حرکت و قیام را متذکر می شود و بر بزرگی مصیبت بر خود و جمیع اهل این مصیبت (اهل اسلام) تا کید می کند و می خواهد اعلام کند قیام امامش، قیام یک فرد و گروه اندک نیست، که این مصیبت بر فرشتگان و گروه های طرفدار توحید که مقام قرب خداوند را دارند و بر تمام مسلمانان بسیار سنگین و غیر قابل تحمل است.

و اما فراز نفی که پس از فراز تصدیق شروع می شود با عبارت فَلَعَنَ اللَّهُ شروع شده است.

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَن مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ (مِنْ) أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَانِهِمْ



تاملی بر چند فراز زیارت عاشورا

بلی، نفی و بیزاری بر گروہی کہ طراح و بنیان گذار ظلم و جور هستند و نہ تنها این برائت و بیزاری شامل سردمداران ظلم و جور میشود بلکه همه ی آنها کہ مقام و منزلت شما را ندیده گرفتند و بر کشتن اولاد و اکباد شما قیام کردند حتی زمینہ چینان و نہ تنها آنها، بلکه همه پیروان آنها، و دنبال کنندگان مشی و مرام آنها و حتی دوستان آنها هستند؛ و این تسلسل نہ تنها زمان فرزند رسول خدا را شامل می شود، بلکه همه اعصار و قرون، ہر جا کہ ندای مظلومیت است و آنها کہ با ہر وسیلہ بہ یاری کفر می شتابند، مورد نفرت من هستند و خود در این جیبہ نمی خواہم باشم.

این اعلام، آگاہی و قدرت تمیز فرد را بہ دنبال دارد، یعنی من کہ بیان ظلم و جور را نفرین و لعنت می کنم، و خود را حق طلب معرفی می کنم قدرت تشخیص دارم و معتقد بہ نظام توحیدی و عدل و داد خداوندی و معتقد بہ معاد ہستم و این اعتقاد مرا بہ حراست و دفاع از آیین و نظام حق فرا می خواند، اعتقادی کہ در زمان نمی گنجد بلکه تا روز قیامت ادامہ خواهد داشت.

و حتمأدر کنار ہر حق و ہر بیداد افرادی ہم هستند؛ و من بہ عنوان یک مرید؛ نہ تنها با حق خواہان عالم موافقت دارم، بلکه در صلح و سلامتم با ہر کس کہ با شما در صلح باشد، و جنگ و جہاد با کسانی است کہ با شما در مبارزہ باشند.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام

زائر در این لحظہ کہ اوج درک و دریافت فیوضات ربانی است از یادآوری این مصیبت بزرگ غافل نمی ماند تا بہ درک عالیہ معصومین نائل گردد و شفاعت آنان را بہ عنوان بالاترین پشتوانہ در ورود بہ جہان آخرت ہمراہ داشته باشد و بتواند ثابت قدمی خود را اثبات نماید او خلوص، پاکی و صداقت خود را بہ منشاء پاکی ہا مربوط می کند و با حسین (ع)، اصحاب، ہمراہان و بذل کنندگان جان در راہ معشوق (راہ امام شہید) ہمراہ می گردد و آخرین درود خویش را بہ برکت این ہمراہی نثار می کند. کہ براو سلام باد. قدم صدق در این جا، پای و سابقہ فضل است کہ چون انسان بہ این راہ رود بہ صدق ارادت و حق عقیدت در دنیا و آخرت، رستگار خواہد بود و باید این رستگاری را در امتداد خط سرخ شہادت بجوید و ادامہ دہندہ ی آن باشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ

اَسْمَاءُ اَلْمَوْلَانِ

روضه‌های تا ابد جاویدان

مدت‌ها قبل از محرم بحث‌ها در جامعه شروع شده بود؛ وضعیت وخیم کرونایی مسافران ثابت جاده شمال را در حین سفر به شهرهای قرمز شمالی و ایجاد نگرانی برای ساکنین آنجا به این باور رسانده بود که خب لابد امسال با این وضعیت قرمز مجالس عزاداری محرم باید تعطیل شود! باوری منبعث از افکار بهانه جو که زاویه نگاهشان تنها به بیرون و غیر خودی است. این مدعا درحالی بود که اقشار مومن و معتقد ایران اسلامی؛ نیروهای جهادی و تلاشگران بسیجی از روز اول ورود این ویروس منحوس به ایران با ایجاد گروه‌های جهادی ضمن رعایت دستورالعمل‌های ستاد مقابله با کرونا، به کمک هم‌وطنان آسیب دیده خود شتافتند؛ از پاک سازی شهرها و معابر تا خرید مایحتاج افراد سالمند و نیازمند و رساندن آن به درب خانه متقاضیان، تا پخش بسته و اقلام کمکی به اقشار آسیب دیده و درعین حال ایجاد پروتکل‌های بهداشتی جهت برگزاری مراسمات سنتی و مذهبی؛ همه و همه گوشه کوچکی از تلاش این افراد برای زنده نگه داشتن سرمایه اجتماعی ایرانی-اسلامی بود. این دقت تا آنجا پیش رفت که رهبری انقلاب نیز با زبان تکریم از اقشار مذهبی تشکر و به مسئولین توصیه کردند تا احساسات این قشر از جامعه را به خوبی درک کنند. اکنون ماییم و دوباره محرم، عصاره وجودی شیعیان و عامل عزت همیشگی و جاودان این تفکر در تاریخ! ماییم و یکبار دیگر برپایی عزای سید و سالار شهیدان. ما شیعیان به شدت نظم پذیر هستیم، به شدت محیط را با خود سازگار می‌کنیم! ایام پیش روی ما فرصت شکفتن دوباره اقشار مذهبی است، فرصت جلوه کردن عشق ممزوج در شعور شیعیان.

اگر خداوند تضمین کرده که از ایات خود تا قیام قیامت محافظت می‌کند و جلوه حقیقی حق و عدالت تا ابد بر بندگانش تابانده می‌شود، واقعه عاشورا و قیام الهی حضرت سیدالشهدا نیز یکی از مصادیق همیشگی آیت و نشانه‌های الهی است که خداوند تضمین کننده حفظ اصل آن است، چرا که این خون پاک به هدر نخواهد رفت، این ما هستیم که به روضه‌ها نیازمندیم، ما هستیم که پیوندمان با روضه، با بیعت هر ساله و هر باره با این قیام تضمین کننده سعادت دنیا و آخرتمان است. همین عشق و نیاز است که هزاران سال شیعیان را در تندباد حوادث به زیارت معشوقشان کشانده، تا آنجا که از شوق زیارت معشوق خارهای مگیلان تا زخم زبان ناهلان و زخم دشنه و شمشیر ظالمان را همواره به جان خریدند. امسال هم ما در خانه‌ها عزادار سیدالشهدا خواهیم بود، امسال هم با رعایت دستورات بهداشتی به مجلس روضه‌های پر برکت ارباب خواهیم رفت و سنت مواسات که رسم جدا نشدنی از فرهنگ ایرانی اسلامی ما است را به جا خواهیم آورد. این روضه‌ها تا ابد جاودانند، چرا که ما پیش از هرجایی در قلب خود عزادار سیدالشهدا خواهیم بود.

